

تأثیرات دین بر حوزه دیپلماسی نوین

دکتر علیرضا امینی

چکیده

نگاه به حوزه روابط بین الملل بالخص دیپلماسی نشان میدهد که در شرایط مختلف عوامل متعددی میتواند بر حوزه دیپلماسی تأثیر جدی داشته باشد تا جایی که مسیر دیپلماسی کشور مبدا یا حتی کشور مورد ارتباط با آن و یا مقصد را دستخوش تغییرات کند.

این تغییرات مسیر اصلی مباحث و یا طرحهای تصویب شده در حوزه بین الملل را تحت تغییرات خود قرار خواهد داد. یکی از عوامل مهم در حوزه دیپلماسی بحث تأثیرات دین و یا تعلیمات باورها و یافته های دینی است که به میزان گسترده ای قانون خود را بر حوزه ریاست به خصوص حوزه روابط بین الملل دیپلماسی دیکته می نماید تا آن را بر اساس مبنای خود طراحی کند.

کلمات کلیدی: دین، روابط بین الملل، دیپلماسی، دیپلماسی نوین

مقدمه

چرایی پرداخت به موضوع تاثیرات دین بر حوزه و دیپلماسی از انجا آغاز میگردد که نگاه به حوزه ریاست و به خصوص روابط بین الملل برگرفته از یک تصور رئالیسمی است که پس از جنگ جهانی دوم به نظریه غالب در حوزه روابط بین الملل تبدیل گردید؛ اصل و اساس و بن مایه این نظریه به موضوع نگاه صرفاً مادی یا دوران نگاه پوزیتیوسمی برمیگردد و این عامل باعث گردید که تمامی تحلیل ها بازخوردها و عمل و عکس العمل ها در چهار چوب قوانین علمی قرار گیرد و هر آنچه که مفهوم غیر واقعی به معنای عینی بودن داشته باشد نه تنها محاسبه نگردد بلکه دیده نشود و حتی غیر واقع خوانده شود.

لذا با توجه به این دیدگاه این سوال بر ذهن متصور میگردد که **ایا در عرصه های مختلف حوزه سیاست بین الملل مواردی را**

میتوان یافت که بتواند بازخورد عینی نداشته باشد اما تاثیر گذار باشد که مورد توجه قرار نگرفته و یا مختصراً از آنها گذر شده

است؟ این بی توجه ای یا عدم بررسی در حالی است که به نظر میرسد بازیگران حوزه دیپلماسی که از جنس انسان ها

هستند بدان معنا که از ویژگی های فردی خاصی برخوردارند که نه تنها در شرایط خاص عمل و عکس العمل آنها قابل ارزیابی

نیست بلکه میتوانند تغییراتی را از خود نشان دهند که با هیچ کدام از علائم و نشانه های واقعی و معادلات مادی محور قابل

تحلیل و یا پیش بینی نباشد . این موضوع زمانی پر رنگ تر میشود که به یاد بیاوریم این بازیگران از دل جامعه ای خروج پیدا

کردند که دارای باورهای متافیزیکی، عقاید و سلايق، سنت ها و آداب رسوم خاصی است که بازیگران را در دل خود تربیت

کرده و این عقاید در باور آنها نهادینه نموده است . طبعاً این گونه نگاه ها میتواند در شرایط خاص نه تنها مدل دیپلماسی بلکه

اصل حرکت را تحت تاثیر خود قرار دهد و این همان نقطه خلأیی است که در روابط بین الملل به جد دیده نشده و مورد

ارزیابی دقیق قرار نگرفته است و به جز مختصری که در رده های اخیر به دلیل تغییرات جهانی به آن پرداخته شده است

مقفول مانده است .

یکی از مهمترین عوامل مطرح شده میتواند دین باشد بالخص دین الهی که به دلیل برخورداری از بن مایه فطری انسان

بیشترین تاثیر را در تربیت جامعه و افراد به دنبال دارد .

در این مقاله بر انیم که بر تاثیرات این ودیعه الهی در انسانها و تاثیرات گسترده آن بر حوزه دیپلماسی بپردازیم و به نوعی میزان اثر گذاری این عامل را مطرح کنیم .

فصل اول: تعاریف

دین: Religion

دین به جهان بینی گفته میشود که بر سه سؤال جدی پاسخ میدهد :

الف : درک هدف زندگی

ب : درک آینده خویش

ج : کشف راه درست زندگی یا چگونه زیستن

پاسخ این سه سؤال بنیادی فقط از طریق دین امکان دارد و قطعاً به دلیل عدم توانایی علوم قیدی، پاسخ گویی به این سه سؤال امکان پذیر نخواهد بود به طور مثال اینکه حس پرستش امری نهادینه است که بر مبنای وجودی انسان از بدو تولد به عنوان یک خواست در وجود انسان ایجاد شده قطعاً پاسخ به چگونگی این نیاز بر اساس قوانین طبیعی موجود در دنیا امکان ندارد و یا پاسخ به دست آمده قابل اعتماد نیست فلذا برای دریافت پاسخ صحیحی نیاز به مبدای فراتر از قید زمان و مکان دنیایی مادی دارد مبدایی که امکان افرینش دنیای مادی بر عهده آن است و قائم به ذات و تنها منبع صحیح پاسخگویی به این نمونه سئوالات است . لذا با توجه به این ویژگی پاسخ به سئوالات و معماهای عالم طبیعت فقط توسط دین امکان پذیر است . فلسفه ای که ریشه الهی دارد و بر مبنای افرینش آگاه است و بر گرفته از سازنده عالم حیاط می باشد

مجموع دین از دو بخش تشکیل گردیده

۱- آموزه ها و گزاره های اعتقادی (هست ها / اصول)

۲- دستورهای عملی اخلاقی و ارزشی که بر پایه آموزه های اعتقادی استوار شده اند (بایدها / فروع)^۱

دین را میتوان به دو دسته کلان تقسیم نمود :

الف : سنتی

۱- آیین ابراهیمی

۲- مادی

ب : نوین

۱-فرقه های سیاسی

۲- (عرفانهای نوظهور)

۱- آیین ابراهیمی

از منشاء و مبدا الهی گرفته شده و قائم بر پدید آورنده ای است که قائم به ذات است پدید آورنده ای است که خود پدیده نیست؛ این مبدا واجب الوجود است که توسط فرستادگان خود (پیامبران) احکام خود را در حوزه اعتقاد و عمل به گوش مخاطبان خود میرساند .

^۱ Wikipedia.org/wiki/دین

۲- مادی

برگرفته از مبدا زمینی است یعنی احکام خود را از منشاء انسانی از تولید تا تبلیغ دریافت میکند. در بند مباحث اخلاقی است و انسان محور است در بهترین شرایط بر امور اخلاقیات حرکت میکند یا به طور کلی به معنای ایین خردمندی است. این نوع ادیان در واقع نوعی فلسفه است و نه دین. این تفکرات باور اعتقاد به خدا را ندارند و باورهای ماورایی در آن وجود ندارند.

۳- فرقه های سیاسی

بر اساس سیاست استعماری در طول تاریخ طراحی گردیده که انگیز آن سست نمودن ادیان ابراهیمی ملت ها برای تحت سلطه در آوردن افراد به شیوه دور شدن از آموزه های اصیل الهی است این فرقه های جهت ایجاد انحراف دشمنی بین ادیان ابراهیمی است که فلسفه امت واحد را مطرح نموده اند

۴- عرفانهای نوظهور

این دسته از عرفانها غالبا بر مبنای اومانیستی تعریف شده و منشاء و مبدا ان خواست انسانها است. عرفانهای نوظهور تولید دنیای مدرن است و بین خود و دین مرز بندی جدی دارند. این فرقه ها نه تنها جایگاه الهی ندارند بلکه اخلاقیات نیز در آنها به انحطاط و گمراهی کشیده شده است. لذا تقسیم بندی آنها به عنوان دین امری غیر منطقی به نظر میرسد. این عرفانها غالبا گمراهی بشر را به دنبال دارد و منافع و سودجویانی را تامین میکند که به دنبال ایجاد گروه یا دسته های هستند که مقاصد سیاسی خود را بر آنها تحمیل نمایند و آنها را ابزاری برای رسیدن به اهداف خود میدانند.

ب: روابط بین الملل : International Relations

اصطلاح روابط بین الملل (مجموعه اقدامات و کنش های متقابل واحدهای حکومتی و نهادهای غیر دولتی و همچنین روندهای سیاسی میان ملت ها را روابط بین الملل میگویند)^۲

تاریخ روابط بین الملل به هزاران سال پیش باز میگردد بری بوزان و ریچارد لیتل بر این باورند که تعاملات میان دولت شهرهای سومری در ۳۵۰۰ سال پیش از میلاد را میتوان اولین نظام بین المللی دانست.^۳

^۲ جمالی، حسین، تاریخ و اصول روابط بین الملل، قم، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۵، چاپ پنجم، ص ۲۰۸

روابط بین الملل در کل به موضوعات بین کشورها و دولت ها در حوزه های روابط سیاسی و خارجی - اجتماعی - اقتصادی - دفاعی - بازرگانی - فرهنگی - بین دولت ها سازمانها بین المللی میپردازد که توسط بازیگران صحنه بین الملل صورت میگیرد .

تعریف دیپلماسی

فرایندی در عرصه بین الملل را معمولا دیپلماسی مینامند (دیپلماسی در سیاست جهانی عبارت است از فرایند ارتباط میان بازیگران بین الملل که قصد دارند از طریق مذاکره تعارضی را بدون جنگ حل و فصل نمایند . این فرایند در طول قرن ها پالایش و نهادینه شده است و به صورت حرفه ای در آمده است)^۴ .

در تعریف دیپلماسی میتوان به طور کل هنر نمایندگان یک دولت را میگویند که در قالب های تعیین شده که در نقشه راه درست مورد پذیرش خود جهت حفظ منافع ملی و اجرایی سیاست خارجی به کار گرفته میشود و این یعنی به کار گیری تکنیکهای مذاکره در حوزه سیاست خارجی یعنی هنر جلب نظر مساعد دولت مورد مذاکره توسط نمایندگان یک دولت در مقابل دولت دوم در پی ایجاد یک مناقشه و یا یک تهدید جدی و یا ایجاد یک ارتباط دوستانه که عرصه بین الملل شکل میگیرد .

^۳ Barry Buzan – Richard Little – *International System In World History* : Remaking The Study Of Intentional Relations . Published ۲۰۰۰ .

^۴ بیس، جان، استیو ایست، جهانی شدن سیاست : روابط بین الملل در عرصه نوین (زمینه تاریخی - نظریه ها - ساختارها و فرایندها)، جلد اول، مقاله براون وایت ص ۷۰۱ چاپ ابان ۱۳۹۲ ، انتشارات موسسه فرهنگی و مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران ۱۴۱

فصل سوم : تاثیرات دین

- دین بر نظام سیاسی

دو تفکر عمده در نگاه دین به حوزه سیاست جدی تر به نظر میرسد :

۱- نظریه جدایی دین از سیاست

۲- نظریه پیوند دین و سیاست

۱- نظریه جدایی دین از سیاست

این تفکر با پایان قرون وسطی یعنی با شروع دوره رنسانس غرب و پایان حکومت کلیسا آغاز گردید به دلیل عملکرد بد کلیسا مردم اعتقاد خود را به کارگزاران دین و تا حدود گسترده ای به دین از دست دادند و عملاً حوزه ای از قوانین را وضع نمودند که منشاء آن نه برگرفته از دین بلکه از خواستگاه مادی انسان گرفته شده است و عملاً دین در بهترین حالت معرفی آن تبدیل به یک عمل شخصی و فردی گردیده و از عرصه تصمیم گیری دولت ها و حکومت ها کنار گذاشته شد و اصالت امور قوانین بر فرد و جامعه قرار گرفت . یعنی محور عمل آزادی شخصی قرار گرفت و محصول این گونه تفکر قانون لیبرالیسم است .

۲- نظریه پیوند سیاست و دین

این نظریه برگرفته از ریشه تعلقات الهی و دینی دارد و در این تفکر اصل بر آنست که دین شیوه زندگی کردن را از مبدا اصلی خود یعنی خالق هستی به انسانها اموخته و این دستورات الهی بن مایه قوانین اجتماعی است . صاحب نظران معتقدند گر اصطلاح سیاست در عرف به معنای حقه و حیل است که در فلسفه دین عملاً کار مذموم و طرد شده ای است . لذا اصول دین با این گونه امور همخوانی ندارد (لذا سیاست در نگاه دین به معنای ایین کشورداری است یعنی ایجاد روشی در اداره امور جامعه به صورتی که مصالح جامعه چه از نظر مادی و چه از لحاظ معنوی در آن دیده شود) ^۵

^۵ WWW. Mesbahyazdi .Org/ lib/Veluyat/Ch.۳.htm

در نتیجه با توجه به نوع نگاه دین در میابیم که نمیتوان این مذهب را که به امور اجتماعی افراد مرتبط است واحکام و دستورات خود را برای تنظیم این امور بر اساس معیارهای الهی که منشاء ایجاد آرامش و رسیدن به فضای برنامه ریزی شده بر اساس اخلاق است را در امور و این کشور داری ندیده گرفت. چگونه میشود سیاست را و یا این حکومت داری را تنظیم نمود ولی از وجود معیارهای فطری و ذاتی انسانها که گرایش به خوبی در آن گسترده است و خواهان یک نظام عدالت محور است را ندیده گرفت و از قوانین دین در آن استفاده نمود؟ لذا دین بنا به توجه خود به امور دنیوی و مادی انسانها یقینا در شیوه زندگی انسانها تاثیر دارد و این تاثیر مطمئنا بر حوزه قوانین وارد بر آن جامعه تاثیر بسزایی خواهد داشت حال چه حکومت و چه دولت سعی در کناره گیری از این مورد نماید اما میزان تاثیر گذاری آن قطعا غیر قابل انکار است. به دلیل آنکه بسیاری از امور سیاسی در حوزه دین است و بسیار از امور دنیوی در حوزه سیاست نقش جدی دارد.^۶ بسیاری از اندیشمندان دینی در طول تاریخ نیز بر باور وجود رابطه بین دین و سیاست هستند لذا با توجه به مفروضات فوق میتوان عنوان نمود کلیه حکومتهایی که ندای جدایی و عدم وجود تاثیر در حوزه سیاست توسط دین نقشه هستند را در عمل تحت تاثیر امور دینی دانسته و نه تنها تحت تاثیر بلکه در شرایط خاص به دلیل فشار دین بر بعضی از امور با اجراء و یا عدم اجرایی آن خواسته در حوزه سیاست روبرو میشوند.

۲- دین بر بازیگران سیاسی

در عرصه حکومت و سیاستهای مرتبط با دولت مطبوع خود بازیگرانی وجود دارند که بر مبنای شرایط سازمانی به طراحی و اجرایی امور سیاسی دولت خود می پردازند. افرادی که اساسا فارغ از نوع دولت از حیث ساختاری بازیگران اصلی و تصمیم گیران اصلی حوزه سیاسی و اجرایی کشورها چه در زمینه اقدامات و تصمیمات دافعی و چه در امور بین المللی هستند و اساس و شالوده تفکرات اندیشه ها و مبانی و باورهای آنها چه به صورت حکومت سلطنتی که متکی به فرد چه به صورت حکومتهای آریستوکراسی اجماع خردمندان و چه به شکل حکومت های دموکراسی تصمیم اکثریت بر اقلیت خط مشی و قوانین سیاسی کشور خود را پایه گذاری میکنند و مسیر جامعه خود را ترسیم و به سازمانها و مبادی مرتبط ابلاغ تا در فاصله زمانی مشخصی به هدف ترسیم شده خود برسند.

^۶ مقاله نسبت دین و سیاست برگرفته از کتاب مبادی اندیشه سیاسی در اسلام، چاپ پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی، کتاب خانه اینترنتی تبیان،

حال نکته حائز اهمیت در این مورد این است که افرادی که بنیانهای اندیشه ای سرزمینی را رقم میزنند قطعا تحت تعلیمات اداب و رسومی هستند که از دیر باز یا به صورت جبری و یا به صورت اکتسابی و یا ادغامی از هر دو حالت قرار گرفته و تاثیرات گسترده ای نیز گرفته اند. حال این نوع تاثیرات چه از لحاظ پذیرش اندیشه و یا نظریه یک فیلسوف و نظریه پرداز و یا یک باور ملی مذهبی، قومی قبیله ای و چه از باب گرته برداری و یا تولید اندیشه نوع قرار دارند. لذا این افراد دارای گرایش های خاص و شخصی هستند که الزاما در شیوه رفتاری شخصیتی زندگی اجتماعی آنان تاثیر گسترده و بسزایی دارد. طبعاً خروجی تصمیمات این افراد بر اساس همین ویژگی ها نهادینه شده و در بطن وجودی آنهاست. قطعا نمیتوان تصور نمود که طرح و یا اندیشه ای تولید گردد که بر گرفته از باور تولید کننده ان نباشد. مطمئنا هر گونه تصمیم برگرفته از اندیشه خالقان ان تصمیم میباشد. این تاثیرات انقدر پر رنگ است که امروز در علم روانشناسی ویژگی اقلیم زندگی افراد از لحاظ اب و هوا نیز بر خصوصیات آنها تاثیر گذار است.

امروز روانشناسی و روانشناسان عصر حاضر نشان داده اند که واکنش های حسی و روانی و اخلاقی فرد با دوران طفولیت پرورش ذهنی و عاطفی و نیز محیط زندگی او پیوندی منطقی و ناگسستنی برقرار میکند.^۷

به همین منظور است که (ساموئل هانتینگتون) در کتاب خود به عنوان تمدن ها و بازسازی نظام جهانی می نویسد:

رابطه ذاتی فرهنگ و دین مسئله ای است که اندیشمندان غربی به ان توجه کرده اند.^۸

و همچنین آقای درگنورگ زیمل که معتقد است در موفقیت بر آمده از ناسازگاری درونی انسان دین در مقام شیوه زیستن دیده میشود.^۹

به طبع وقتی تاثیرات اقلیمی و محیطی بر روی افراد و عملکرد آنها تاثیر جدی دارد و عوامل تربیتی فرهنگی و بالخص دینی نیز تاثیرات عمده تری دارد و به همین منظور این باورهای دینی عمیقا میتواند بر نوع عملکرد رایزنی های سیاسی تاثیرات گسترده تری داشته باشد و وابستگیهای شخصی بر نوع تفکر و اندیشه موثر و تولید عکس العملهایی را داشته باشد که در شرایط طراحی سیاست بین ادبیات گفتمان تغییرات فاحشی را ایجاد کند.

^۷ نوحی. حمید، تاملات در هنر و معماری، تهران، انتشارات گنج هنر

^۸ هانتینگتون، ساموئل، تمدن و بازسازی نظام جهانی، ترجمه مینون احمد سرتیپ، تهران، کتاب سرا

^۹ زیمل، گنورگ، مقالاتی درباره دین، ترجمه شهناز مسمی پرست، تهران

تأثیرات دین بر دیپلماسی

در دو بخش قبل به این موضوع پرداختیم که دین بر سیاست و بازیگران سیاسی تأثیر دارد و هر چند میزان تأثیر گذاری نیاز به یک بررسی اماری در سطح دولت و ملت‌های مذهبی دارد اما به طور استدلال قیاسی میتوان پی برد که بر حوزه دیپلماسی نیز تأثیر فزاینده ای دارد و به دلیل آنکه دو مولفه تأثیر گذار بر ادبیات دیپلماسی یعنی مدل سیاسی دولتها یا همان طرح سیاست مداران دولت و مجریان این طرح در عرصه های بین الملل هر دو تحت تأثیر همین باورهای دینی قرار میگیرند پس الزاما خروجی دیپلماسی نیز نمیتواند از این گرده برداری های موجود باشد و این به معنای نقش سیاسی دین بر حوزه دیپلماسی است همانگونه که در سخنان دکتر ارسلان قربانی محقق حوزه و دین و روابط بین الملل مطرح میشود: (در دوران اخیر برخی از دانشمندان علوم سیاسی نظیر فوکویاما و هانتینگتون با ارائه نظریات پایان تاریخ و برخورد تمدن ها بر سیطره حاکمیت لیبرال دموکراسی غربی بر جهان تأکید کرده بودند که با افزایش نقش دین در عرصه روابط بین الملل مجبور به عقب نشینی در نظرات خود شدند).^{۱۰} بنابر این در شرایط موجود و در دهه های اخیر به عقب نشینی جدی را در تئوریهای روابط بین الملل خواهیم یافت که تماما تحت تأثیر سکولاریسم و به نوعی مدرنیته شده است و این به معنای توجه به حوزه ای از بحثهای اجتماعی و تأثیرات آن بر دیپلماسی است .

^{۱۰} قربانی، ارسلان، انقلاب اسلامی نقش دین را در روابط بین الملل احیا کرد، ۱۶ بهمن، ۱۳۹۱، خبرگزاری ایسنا .

نتیجه :

این واقعیت غیر قابل انکار است که تاثیرات دین و باورهای آن بر دیپلماسی موثر و پر رنگ است. مباحثی که غرب در تئوریها و فرضیه های و قواعد های طراحی شده بر روابط بین الملل خود آن را نادیده گرفته در حالی که عدم نادیده گرفتن آن نه به عنوان عدم وجود بلکه به عنوان پنهان نمودن آن میباشد .

این موضوع به واضح نشان میدهد که بحث دین معادلات اصلی حوزه روابط بین الملل را با چالشی جدی روبرو نموده است . یکی از بحثهای جدی **تاثیرات دین ایجاد یک انسجام** ایدئولوژی در بین بازیگران و طراحان اصلی سیاست بین الملل کشور دینی است و این یعنی تولید اندیشه و به طبع آن تولید فعلیتی بر مبنای باور دینی در روابط بین الملل یا به طور خاص تر در دیپلماسی نوین به معنای تاثیرات عمده بر عملکرد سیاسی دولت ها در **عرصه جهانی لذا انسجام صورت گرفته که بر گرفته از** واقعیت های غیر مادی است. عملا خط مشی کلی ارتباطات را چه از زمان شروع و چه در زمان نتایج میتواند تحت تاثیر خود قرار دهد. برای اثبات این موضوع مثالهای گسترده ای از اتفاقات سیاسی و رایزنهای دیپلماتیک وجود دارد که در طول دهه های اخیر بنا به توجه اصحاب گفتگو، متأثر از باورهای دینی آنها شده و یا در حصول به نتیجه آن دستاورد اعلام شده مغایرت جدی با اعتقادهای مذهبی ملت حاضر در مذاکره ، مذاکره کنندگان را وادار به عقب نشینی میکند و یا عدم پذیرش آن تفاهم نامه را به دنبال دارد و لذا تصمیم گیری و فرایند آن را متأثر از خود میکند و این توجه ویژه ای را طلب میکند که عدم شناخت باورهای اعتقادی بازیگران عرصه سیاسی و عدم شناخت اعتقادات جامعه مذاکره کننده میتواند مسیر مذاکرات را منحرف و منجر به عدم نتیجه گیری کند و حتی در شرایط خاصی میزان حجم مخاصمه را افزایش دهد . همان طور که وبر و مارکس دور کیهام معتقدند دین و ایجاد باورهای مرتبط با آن به شدت به هم نزدیک و متصل هستند .

به همین دلیل است که شکل گیری باورها تاثیر مستقیم بر عملکرد دارد و این به معنای تحت تاثیر جدی بودن دیپلماسی توسط باورهای دینی مشترک که خطوط سیاست خارجی را با خواست خود همسو میسازد و **حتی در شرایطی وادار به تمکین**

میکنن

منابع

- ۱- بیس استیو ایست، جان، جهانی شدن سیاست : روابط بین الملل در عرصه نوین (زمینه تاریخی - نظریه ها - ساختارها و فرایندها)، جلد اول، مقاله براون وایت ص ۷۰۱ چاپ ابان ۱۳۹۲، انتشارات موسسه فرهنگی و مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران ۱۴۱
- ۲- جمالی، حسین، تاریخ و اصول روابط بین الملل، قم، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۵، چاپ پنجم، ص ۲۰۸
- ۳- حوزه نژاد، مهدی، دهقانی تفتی، محسن، نقره کار، عبدالحمید، بررسی تاثیر طبیعی بر رفتار و اخلاق از دید متفکران اسلامی و نتایج آن در طراحی محیط مصنوع، صفحه ۸۰، نشریه ارمانشهر، شماره ۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۹
- ۴- روحانی، حسن، دین روابط بین الملل : پاردوکسها و ضرورتها، راسخون، WWW. Rasekhoo.net/article/show/۱۵۳۶۷۷/
- ۵- زیمیل، گئورگ، ۱۳۸۸ مقالاتی درباره دین، ترجمه شهناز مسمی پرست، تهران
- ۶- قربانی، ارسلان، انقلاب اسلامی نقش دین را در روابط بین الملل احیا کرد، ۱۶ بهمن، ۱۳۹۱ خبرگزاری ایسنا
- ۷- قربانی، محمدمهدی، مقاله در آمدی بر تاثیر در فرهنگ و سبک زندگی افراد، ۱۳۹۳، وبلاک جهان شناسی، Jahanshenasi. Mianblog.com/post/۵۲۲
- ۸- نوحی . حمید ،تاملات در هنر و معماری.، تهران، ۱۳۸۸، انتشارات گنج هنر
- ۹- هانتینگتون، ساموئل، تمدن و بازسازی نظام مبانی، ترجمه مینون احمد سرتیپ، تهران، ۱۳۸۰، کتاب سرا
- ۱۰- Wikipedia.org/wiki/دین
- ۱۱- Barry Buzan – Richard Little – *International System In World History* : Remaking The Study Of Intentional Relations . Published ۲۰۰۰.
- ۱۲- WWW. Mesbahyazdi .Org/ lib/Veluyat/Ch۰۳.htm

۱۳- مقاله نسبت دین و سیاست برگرفته از کتاب مبانی اندیشه سیاسی در اسلام، چاپ پژوهشکده فرهنگ و

اندیشه اسلامی، کتابخانه اینترنتی تبیان، Library.Teyban.net/newindex.aspx?pid=۱۹۰۰۷

&Pageindex=۰&BookIP=۵۸۹۷۱&Language=۱